

پنجره‌ای رو به معبود؛ شعار بدون شعور اثر ندارد

در بین محیط‌هایی که انسان از آنها روش می‌گیرد، نخستین محیط «محیط خانوادگی» است...



در بین محیط‌هایی که انسان از آنها روش می‌گیرد، نخستین محیط #171; محیط خانوادگی است. به‌طور غالب آنجایی که انسان در این جهان مادیت چشم می‌گشاید و در آن بستر رشد می‌کند، محیط خانواده است؛ خصوصاً که این محیط با محبت آمیخته است. در خانواده رابطه تنگاتنگ همراه با محبت وجود دارد و این نوع رابطه، روی انسان نقش سازندگی دارد؛ اعم از اینکه نقش تخریبی داشته باشد و اثرش فساد باشد یا اثر صلاح داشته باشد. انسان معمولاً در محیط‌هایی ساخته می‌شود. نخستین محیط، محیط خانوادگی است، بعد محیط آموزشی، بعد محیط شغلی، بعد محیط رفاقتی و بعد هم محیط پنجم، فضای کلی جامعه است که در تربیت او نقش دارد. جو پنجم حتی بر دیگر فضاها نیز غالب و حاکم است. من نمی‌توانم در بحث تربیت، آنچه مربوط به محیط آموزشی است را در خلال بحث خانواده که مربوط به بچه در دامن پدر و مادر است بیاورم.

ابتدا آنچه مربوط به محیط خانوادگی است را بحث می‌کنیم و بعد به سراغ محیط دوم که محیط آموزشی است می‌رویم که بچه در آن بزرگ می‌شود و او را به مدرسه می‌فرستند؛ بعد هم محیط‌های بالاتر را بحث می‌کنیم. هر محیطی برای خودش يك سنخ مسائل خاصی دارد و باید آن را از نظر تربیتی جداگانه بررسی کرد...

بحث ما يك روال مشخصی دارد. من هم که اینجا این حرف‌ها را می‌گویم، اولاً خطابه بلد نیستم؛ ثانیاً اهل شعار هم نیستم. این را بدانید که شعار بی‌شعور- یعنی شعاری که همراه با عمل نباشد- اثر ندارد. شعار، بدون شعور، اگر اثری هم داشته باشد، اثرش مختصر است و رد می‌شود. گاهی هم اثر عکس دارد. یکی از مشکلات جامعه ما همین است؛ نمی‌شود جامعه را برمحور شعار اداره کرد. برای اصلاح جامعه، شعارها باید با شعور و همراه با عمل باشد؛ چه در بعد دنیوی و چه در بعد اخروی؛ چه مادی و چه معنوی. با صرف شعار که چیزی اصلاح نمی‌شود. اگر انسان برای اصلاح مشکلات جامعه فقط شعار بدهد، گاهی اثرش چند ساعت بیشتر نیست؛ به چند روز هم نمی‌کشد که اثرش از بین می‌رود؛ به‌خصوص اگر در کنار آن شعار، عمل هم نباشد که دیگر هیچ! گاهی نتیجه عکس هم می‌دهد.

مسئله تربیت- که از عناوین قصیده هم نیست- تدریجی‌الوصول است. چه در بعد فساد انسان و چه در بعد صلاح او، هر دو تدریجی‌الوصول است و این روش بر اثر تکرار به‌صورت ملکه برای انسان حاصل می‌شود.

در بعد فساد این روایت از علی(ع) را عرض می‌کنم که حضرت فرمود: #171; صُحِبَهُ الْأَشْرَارُ تَكْسِبُ الشَّرَّ كَالرَّيْحِ إِذَا مَرَّتْ بِالتَّنِّينِ حَمَلَتْ تَنًّا؛ همنشینی با بدان، بدی را به همراه دارد، مانند بادی که اگر از روی شیئی بدبو بگذرد، با خود بوی بد را می‌برد؛ این روایت به فساد و جنبه تخریبی در تربیت اشاره داشت؛ یعنی نقش تخریبی رابطه تنگاتنگ با بدها، آن هم با چاشنی محبت (همنشینی) مطرح شده بود.

کاملاً عکس آن هم از علی(ع) نقل شده است که #171; صُحِبَهُ الْأَخْيَارُ تَكْسِبُ الْخَيْرَ كَالرَّيْحِ إِذَا مَرَّتْ بِالتَّيِّبِ حَمَلَتْ طَيِّبًا؛ همنشینی با خوبان، خوبی به دست می‌آورد، مانند بادی که چون بر بوی خوشی گذر کند، بوی خوش می‌گیرد؛ یعنی حضرت دوباره عین مثالی که درباره فساد گفته بود را می‌زند؛ بوی خوش...

برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مجتبی‌تهرانی